



سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي
كَانُوا عَلَيْهَا قُلٌ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَن
يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ
أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ
عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۖ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا
لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ ۖ وَإِن
كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۗ وَمَا كَانَ
اللَّهُ لِيُضَيِعَ إِيمَانَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٣﴾
قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ
قِبْلَةً تَرْضَاهَا ۚ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَ
حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ
عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِن آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ ۚ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتِهِمْ ۚ وَ
مَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ۚ وَلَئِن آتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ
بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

به زودی مردم کم خرد خواهند گفت: «چه چیز آنان [مسلمانان] را از قبله‌ای که بر آن بودند رویگردان کرد؟» بگو: «مشرق و مغرب از آن خداست، هر که را خواهد به راه راست هدایت می‌کند.» ﴿۱۴۱﴾

و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی، قرار ندادیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند، از آن کس که از عقیده خود برمی‌گردد، بازشناسیم و البته [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده، سخت گران بود و چنین نیست که خدا ایمانتان [نمازهایتان را که به سوی قبله اول خوانده‌اید] تباہ سازد، چرا که خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است. ﴿۱۴۲﴾

ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم [نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله) می‌بینیم]. پس [اینک] تو را به سوی قبله‌ای که بدان خشنود شوی می‌گردانیم، پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید. در حقیقت، اهل کتاب نیک می‌دانند که این [تغییر قبله]، حق و از جانب پروردگارشان است و خدا از آنچه می‌کنند، غافل نیست. ﴿۱۴۳﴾

و اگر برای اهل کتاب هر [دلیل و] نشانه‌ای [بر درستی قبله خویش] بیاوری، باز هم قبله تو را پیروی نمی‌کنند، و تو نیز پیرو قبله آنها نیستی. خود آنان نیز پیرو قبله یکدیگر نیستند، و اگر پس از آنکه علم برای تو حاصل شده است، از خواسته‌هایشان پیروی کنی، در آن صورت جداً از ستمکاران خواهی بود. ﴿۱۴۴﴾



درس نهم



پایه‌های استوار

از جمله برنامه‌های یک انسان مسلمان، مشارکت و تلاش او در ایجاد جامعه‌ای براساس معیارهای اسلامی است. از این رو، لازم است ابتدا معیارهای یک تمدن اسلامی را که قرآن کریم و پیشوایان به ما معرفی کرده‌اند، بشناسیم و برای تحقق هرچه بهتر آنها در جامعه، برنامه‌ریزی و تلاش کنیم.

اکنون، در این درس می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که:
معیارهای تمدن اسلامی کدام‌اند و ما باید برای تحقق چه نوع جامعه‌ای تلاش کنیم؟

گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان‌ها و تحوُّلی بنیادین در شیوة زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. رسول خدا ﷺ این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز کرد و سپس با هجرت به مدینه و با کمک یاران خود پایه‌های یک جامعهٔ دینی را بنا نهاد و حرکت به سوی تمدن اسلامی را آغاز کرد. مطالعهٔ قرآن کریم و سیره و روش آن بزرگوار، ما را به برخی از معیارهای تمدن موردنظر اسلام می‌رساند. در اینجا برخی از این معیارها و میزان توجه به آنها را بعد از پیامبر اکرم ﷺ و در تمدنی که به نام اسلام باقی مانده بررسی می‌نماییم.

معیارهای تمدن اسلامی

- ۱- رسول اکرم ﷺ از همان ابتدای دعوت مردم را به یکتاپرستی دعوت کرد و فرمود:
ای مردم بگوئید «معبودی جز الله نیست» تا رستگار شوید.^۱
- ۲- رسول خدا ﷺ در کنار دعوت به توحید، افق نگاه انسان‌ها را از محدودهٔ زندگی دنیایی فراتر برد و آنان را با زندگی در آخرت آشنا کرد.

تدبیر در قرآن (۱)

... مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۲

در این آیه به دو اصل اساسی اعتقادی که دو معیار تمدن اسلامی نیز به حساب می‌آیند، اشاره شده است. آن دو معیار کدام‌اند؟

معیار اول:

معیار دوم:

- ۳- رسول خدا ﷺ به رسالت برانگیخته شده بود تا جامعه‌ای بنا نهد که در آن جامعه، به جای حکومت ستمگران و طاغوتیان، ولایت الهی حاکمیت داشته باشد و نظام اجتماعی بر پایهٔ قوانین و دستورات الهی استوار گردد.

۱- مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۵۲؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱ ص ۵۶؛ سنن کبری، بیهقی ج ۱، ص ۷۶.

۲- سورهٔ بقره، آیهٔ ۶۲.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...^۱

با توجه به آیه شریفه و عبارتهای درس، معیار سوم تمدن اسلامی کدام است؟
معیار سوم :

این معیار، یکی از دلایل تشکیل حکومت اسلامی است که در سال گذشته، توضیح داده شد. همچنین گزارشی از خلفای بنی امیه و بنی عباس ارائه و مشخص شد که آنان از دایره ولایت الهی خارج شدند و آنان نه بر اساس دستورات الهی، بلکه بر اساس امیال خود حکومت می کردند.

۴- یکی از مهم ترین اهداف پیامبر اکرم ﷺ برپایی جامعه ای عدالت محور بود به طوری که در آن مظلوم بتواند به آسانی حق خود را از ظالم بستاند و امکان رشد برای همه انسان ها فراهم باشد، نه اینکه نعمت ها و ثروت های زمین در انحصار گروهی محدود باشد. پیامبر از هر فرصتی برای رفع تبعیض های طبقاتی حاکم بر نظام جاهلی و برقراری فرهنگ برابری و مساوات در جامعه، کمال استفاده را می نمود و از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نمی کرد.

به طور مثال، به مردم می فرمود: «برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»^۲

قرآن کریم، در آنجا که اوصاف نمازگزاران را بیان می کند، یکی از ویژگی های آنها را این گونه ذکر می کند که آنان در مال خود برای محرومان و فقیران نیز حق معینی قرار داده اند^۳ و آنجا که می خواهد تکذیب کنندگان دین را معرفی کند، از کسانی یاد می کند که یتیمان را از خود می رانند و دیگران را به اطعام مساکین تشویق نمی نمایند.^۴

رفتار پیامبر اکرم ﷺ و بیانات قرآن کریم فضایی به وجود آورد که در آن، فاصله طبقاتی و فقر و بی توجهی به محرومان زشت شمرده می شد و مساوات و قسط، ارزشی والا تلقی می گردید.

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- میزان الحکمة، محمد ری شهری، ج ۱، ص ۶۵۶ به نقل از کنز العمال، متقی هندی، حدیث ۴۳۵۸۸.

۳- سوره معارج، آیات ۲۴ و ۲۵.

۴- سوره ماعون، آیات ۱ تا ۳.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...^۱

با توجه به این آیه شریفه و عبارات قبل، معیار دیگری از معیارهای مورد نظر پیامبر اسلام برای تشکیل تمدن اسلامی را ذکر کنید.

معیار چهارم:

وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

با توجه به پیام‌های مکرر قرآن کریم و سیره و روش رسول خدا ﷺ، تا مدتی پس از ایشان توجهی به این معیار وجود داشت؛ مثلاً در هنگام مواجهه سپاه مسلمانان با سپاه ساسانیان، گفت‌وگویی میان رستم فرخ‌زاد، فرمانده سپاه یزدگرد سوم با فرمانده سپاه مسلمانان رخ داد که می‌تواند نشان‌دهنده توجه به این معیار باشد:

رستم فرخ‌زاد، که مردی جهان‌دیده و با تجربه بود، وقتی با سپاه مسلمانان برخورد کرد، شب‌هنگام، سوار بر اسب، روی تپه‌ای رفت و به ارزیابی آن لشکر پرداخت. با وجود اینکه لشکر مسلمانان را از نظر عده و تجهیزات اندک دید، اما دچار اضطراب عجیبی شد. از تپه فرود آمد و پیکی سوی زهرة بن عبدالله – فرمانده لشکر مسلمانان – فرستاد و وی را به مذاکره دعوت کرد. فرمانده آمد و سخنانی میانشان رد و بدل شد.

رستم به زهرة گفت: درباره دین خود سخن بگو.

زهرة پاسخ داد: پایه آن دو چیز است: گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد ﷺ.

رستم گفت: اینکه عیبی ندارد؛ خوب است، دیگر چه؟

زهرة ادامه داد: آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی انسان‌ها به سوی بندگی خداوند.^۲

رستم گفت: این هم خوب است، دیگر چه چیزی؟

زهرة گفت: مردم همه از یک پدر و یک مادر زاده شده‌اند و همه برادر و خواهر یکدیگرند.

رستم گفت: این نیز خیلی خوب است. اگر ما اینها را بپذیریم شما باز خواهید گشت؟

پاسخ داد: آری، قسم به خدا به سرزمین‌های شما دیگر قدم نخواهیم گذاشت، مگر برای تجارت.

۱- سورة حدید، آیه ۲۵.

۲- إخراج العباد من عبادة العباد إلى عبادة الله.

رستم گفت: راست می‌گویی، اما در میان ما مردم ایران، سنتی از زمان اردشیر رایج شده که با دین شما سازگار نیست. کشاورز و پیشه‌ور حق ندارند به طبقه بالاتر روند و از امتیازات آن برخوردار شوند. اگر این طبقات در ردیف اشراف قرار گیرند، پا از گلیم خود درازتر خواهند کرد و با اعیان و اشراف به ستیز برخوانند خواست.

زهره گفت: پس ما برای مردم بهتر از دیگر حکومت‌ها هستیم. ما نمی‌توانیم مثل شما باشیم. ما عقیده داریم که باید امر خداوند را در مورد همه طبقات رعایت کنیم. همه مردم از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند و همه با هم برادر و برابرنده.^۱

۵- یکی از اهداف مهم پیامبر اکرم ﷺ، ارتقای جایگاه خانواده، به‌عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌ها و مانع اصلی فساد و تباهی بود. احبای منزلت زن و ارزش‌های اصیل او از عناصر اصلی این برنامه به‌شمار می‌رفت. در آن عصر، زن همچون کالا تلقی می‌شد و در بسیاری از اقوام و قبایل از کمترین حقوق فردی و اجتماعی، حتی حق مالکیت برخوردار نبود. تولد دختر در خانواده سرافکنندگی آن خانواده را به دنبال داشت.^۲ در چنین شرایطی که زن، از هرگونه احترام و جایگاه محروم شده بود، رسول خدا ﷺ با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم در جایگاه خانواده و زن پدید آورد.

آن حضرت به یاران خود می‌فرمود: هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را شاد کند، مگر آنکه خداوند، روز قیامت او را شاد خواهد کرد.^۳

وقتی به ایشان می‌گفتند کسی دختردار شده است، می‌فرمود: دختران چه فرزندان خوبی هستند، سرشار از لطف، آماده کمک به پدر و مادر، انس‌گیرنده، باعث برکت، ریزین، هنرمند و ظریف کار.^۴

رفتار ایشان با دخترشان، حضرت فاطمه ؑ برای جامعه آن روز و نیز امروز بسیار آموزنده است. به‌طور مثال، خانه حضرت فاطمه ؑ و خانه پدر کنار یکدیگر بود. بین این دو خانه یک حیاط خلوت کوچک قرار داشت که در آن دو پنجره روبه‌روی هم، خانه پدر و دختر را به یکدیگر مرتبط می‌ساخت. هر صبح پدر دریچه پنجره را می‌گشود و به دخترش سلام می‌کرد. هرگاه قصد سفر داشت، در منزل فاطمه ؑ را می‌زد و با او خداحافظی می‌کرد. هرگاه نیز که از سفر برمی‌گشت، فاطمه ؑ اولین کسی بود که پیامبر ﷺ به سراغش می‌آمد و حال او را می‌پرسید.^۵

۱- کامل، ابن اثیر، ج ۲، صص ۳۱۹ تا ۳۲۱ (به نقل از کتاب داستان راستان).

۲- سوره نحل، آیه ۵۹: أَيْسِبْكُهُ عَلَي هَوْنٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ.

۳- ما مِنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ يَبْنُو وَ بَيْنَهَا حُرْمَةٌ إِلَّا فَرَّحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ، کافی، ج ۶، ص ۶.

۴- نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مَلَطِفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مَوَسَّاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَاتٌ. کافی، ج ۶، ص ۵.

۵- مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۸۴، ح ۴۸۰۲.

پیامبر ﷺ همواره دست دخترش را می‌بوسید^۱ و درباره او می‌فرمود:

– بهترین زنان جهان چهار تن اند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیها السلام^۲

– خداوند از خشنودی فاطمه خشنود و از خشمش به خشم می‌آید.^۳

– فاطمه پاره‌ای از تن من است، هر که او را بیازارد مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، خدا را آزرده است.^۴

به طور کلی، در خانواده پیامبر، زنان، پایه پای مردان، تاریخ را رقم زده‌اند:

خدیجه علیها السلام حامی بزرگ پیامبر ﷺ در دوران اولیه و بسیار سخت‌بعثت؛

فاطمه علیها السلام همراه پدر و حامی بزرگ همسرش علی علیه السلام؛

و زینب علیها السلام در کنار برادر و پیام‌رسان نهضت عاشورا.

در عین حال، این خانواده الگوی تمام عیار عفاف، حیا و پوشش اسلامی بودند تا به دیگر مؤمنین پیام‌رسانند که توجه به مقام و منزلت زن به معنی بی‌بند و باری، نگاه ابرازی به او و متزلزل ساختن بنیان خانواده نیست.

تدبیر در قرآن (۴)

با تفکر در این آیه معیار پنجم تمدن اسلامی را ذکر کنید.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۵
معیار پنجم:

وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

با توسعه سرزمین‌های اسلامی و شکل‌گیری حکومت‌هایی که پیامبر و یارانش را اسوه و سرمشق خود قرار نمی‌دادند، بار دیگر برخی از رفتارهای جاهلی نسبت به زن پدیدار شد. حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس و بسیاری دیگر از حاکمانی که در سرزمین‌های اسلامی بودند، حرمسرا تشکیل دادند و زنان

۱- أمالی، شیخ طوسی، ص ۴۰؛ مستدرک علی‌الصالحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۴۷۹۵.

۲- خصال، صدوق، ج ۱، ص ۲۲۵.

۳- أمالی، شیخ مفید، صص ۹۴ و ۹۵.

۴- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۰.

۵- سوره روم، آیه ۲۱.

زیادی را به دربار خود آوردند و حقوق الهی آنان را نادیده گرفتند. با وجود این، موقعیت زن و خانواده در تمدن اسلامی بسیار برتر از موقعیت زن در اروپا و سایر مناطق جهان بود.

زنان حق مالکیت و کار داشتند، دسترنج آنها به خودشان تعلق داشت و در اختیار همسر یا پدر قرار نمی گرفت،^۱ به همین جهت می توانستند ثروت خود را وقف امور عام المنفعه کنند. بسیاری از موقوفه های قدیمی کشور ما مربوط به زنان خیری است که ثروت خود را وقف امور خیریه کرده اند.^۲ تحصیل برای زنان آزاد بود و اندیشمندان بزرگی از زنان در جهان اسلام پیدا شدند که قبلاً سابقه نداشت.^۳ قرآن کریم، اصولاً تلقی درجه دوم بودن زن را به شدت نفی کرد و با اینکه در آن عصر و حتی تا همین دوره های اخیر، در اروپا زن را براساس تورات، موجود درجه دوم تلقی می کردند،^۴ آیات قرآنی با این نگاه مبارزه کرد.

۶- رسول خدا ﷺ دعوت خود را در جامعه ای جاهلی آغاز کرد که نشانه هایی بسیار اندک از تعقل و تفکر و دانایی داشت. آن جامعه سرشار از خرافات و مظاهر جهل بود. شعر می سرودند، اما برای شراب، شکار، غارت، عشق حیوانی و بت پرستی. برای آمدن باران آتش می افروختند. شتر سالم را با آهن حرارت دیده داغ می زدند تا شتر دیگری که مریض است بهبود یابد. گفته اند در میان این مردم فقط هفده نفر بودند که خواندن و نوشتن می دانستند.

پیامبر اکرم ﷺ آمد تا این جامعه را متحول کند و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد. اولین آیاتی که بر رسول خدا ﷺ نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره دانش و آموختن بود.^۵ دعوت به تفکر، تعقل، تدبر و خردورزی در جای جای این کتاب آسمانی مشاهده می شود. نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف و تشویق های دائمی رسول خدا ﷺ از طرف دیگر، سد جاهلیت و خرافه گرایی را شکست و یکی از جاهل ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت. رسول خدا ﷺ نه تنها همه را دعوت به علم آموزی کرد، بلکه آموختن علم را برای مردم واجب دانست و فرمود: «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.»^۶

۱- در اروپا تا نیمه دوم قرن نوزده، زنان حق مالکیت نداشتند و تمامی اموال آنان متعلق به شوهرشان بود.

۲- درآمدی بر موقوفات زنان، مهدی مهریزی، مجله میراث جاودان، شماره ۶۹.

۳- زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۴- به طور مثال، در سفر پیدایش تورات آمده که حوا از دنده چپ آدم خلق شد و او بود که آدم را گمراه کرد و به خوردن میوه درخت ممنوعه

تشویق نمود. تورات، سفر پیدایش، اصحاح ۲، ۲۵-۲۳ و اصحاح ۳، ۷-۱.

۵- سوره علق، آیات ۱ تا ۵.

۶- بحار الانوار، مجلسی، ج ۱، ص ۱۷۷.

آن حضرت روزی به یارانش فرمود: «کسی که دوست می‌دارد نگاهش به چهرهٔ کسانی افتد که از آتش دوزخ در امان‌اند، به جویندگان علم بنگرد. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، هر شاگردی که برای تحصیل علم [نه به قصد شهرت و نه برای تظاهر و تفاخر]، به خانهٔ عالمی رفت و آمد کند، در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یک‌سالهٔ عابد برای او منظور می‌گردد و برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهر آبادی در بهشت برای او آماده می‌سازند. بر روی زمین که راه می‌رود، زمین نیز برای او طلب آمرزش می‌کند...»^۱

به این واقعه توجه کنید که هم بیانگر منزلت علمی و بینش روشن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و هم توجه به معرفت و تفکر را نشان می‌دهد:

زنی نزد فاطمه زهرا علیها السلام آمد و گفت مادری دارم که در باب نماز سؤال‌هایی دارد، اما چون بیمار است مرا نزد شما فرستاد تا آن سؤال‌ها را مطرح سازم. حضرت فاطمه علیها السلام به پرسش‌های آن زن پاسخ داد. زن از این فرصت مناسب استفاده کرد و سؤال دیگری را مطرح ساخت. آن حضرت پاسخ آن را نیز بیان فرمود. همین‌گونه، آن زن پرسش‌های متعددی را در میان می‌گذاشت و حضرت زهرا علیها السلام، به تمام سؤال‌ها جواب‌های لازم را می‌داد تا تعداد سؤال‌ها به ۱۰ رسید. زن از کثرت سؤال‌ها احساس شرمندگی کرد و گفت: بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم.

صدیقه کبری علیها السلام، در حالتی که نشان می‌داد هیچ منتی بر او ندارد، فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می‌آید، بپرس.» و سپس برای تشویق وی فرمود: «اگر فردی در مدت یک روز باری سنگین را به دوش کشیده، آن را به بالای بام حمل کند و در ازای آن حق الزحمه‌ای معادل هزار سکه طلا دریافت کند، با توجه به این مزد، آیا آن کار برای او سخت خواهد بود؟»
زن پاسخ داد: خیر.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «من هم کارگزارم و خود را خادم خداوند قرار داده‌ام. مزد من در برابر هر سؤالی که پاسخ دهم، از مجموع مرواریدهایی که فاصلهٔ میان زمین و آسمان را پر کند بیشتر است. پس سزاوار است که از پرسش‌های تو احساس رنج و زحمت نکنم.»^۲

۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه منیة المرید شهید ثانی، نگارش سیدمحمدباقر حجتی، ص ۵۵.

۲- همان، ص ۷۴.

... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ^۱

با توجه به این آیه شریفه و عبارات قبل، معیار دیگری از تمدن مورد نظر پیامبر اسلام را ذکر کنید:
معیار ششم:

وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

تلاش پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان ما سبب علاقه مسلمانان به علم و دانش شد، به طوری که توجه نیاکان ما به اندیشه و تفکر و ارزشمندی علم روزافزون شد و ثمرات آن در تمدن اسلامی مشاهده گردید. مثلاً نیاکان ما در جهان اسلام توانستند علوم و دانش بشری را از چند شاخه محدود به پانصد شاخه برسانند^۲ و این، به معنای توسعه زیاد علم بود که ناچار بودند آن را شاخه شاخه کنند و به صورت تخصصی بدان بپردازند. شوق و علاقه آنان به دانش سبب شد که در بسیاری شهرها در کنار هر مسجد، مدرسه‌ای نیز بنا کنند^۳.



یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان در تمدن اسلامی ابن سینا بود که به حق، آثار وی یکی از عوامل اصلی تحول اندیشه در اروپا و توجه بیشتر اروپاییان به تفکر فلسفی و دانش طبیعی محسوب می‌شود.

کتاب «شفای بوعلی یک دایرةالمعارف در منطق، ریاضیات، علوم طبیعی و فلسفه است و بخش فلسفی آن هنوز هم از مهم‌ترین کتاب‌های فلسفی جهان محسوب می‌شود.



ملاصدرا، فیلسوف بزرگ اسلامی درباره هماهنگی میان دین و تفکر عقلی می‌گوید: «نمی‌شود قوانین این دین بر حق الهی، که چون خورشید روشن و درخشان است، با دانش استدلالی یقینی مخالفت داشته باشد. نیست باد آن فلسفه‌ای که قوانینش با کتاب قرآن و سنت رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام مطابقت نداشته باشد.»^۴

۱- سوره زمر، آیه ۹.

۲- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ج ۳، ص ۲۶۴.

۳- فجر الاسلام، احمد امین، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴- الاسفار الاربعه، ملاصدرا ج ۸، ص ۲۰۳.

در تمدن اسلامی، در قرون اولیه، در امور مربوط به بهداشت و سلامتی، وضع مسلمانان بسیار درخشان بود؛ اگر شرایط قبل از اسلام را در نظر بگیریم، یا اوضاع دوره شکوفایی تمدن اسلامی را با اروپا، که هنوز حتی با حمام آشنا نبودند مورد توجه قرار دهیم^۱، درمی یابیم که چگونه دستورات ساده‌ای مانند وضو و غسل و دیگر آموزه‌های بهداشتی اسلام مانند طهارت و نجاست و نیز دستورات پیشوایان دین در مورد سلامتی و درمان^۲، دنیای اسلام را متحول کرد.

یکی از ویژگی‌های فرهنگ علمی دوره اسلامی منحصر نبودن تحصیل علم به طبقه یا قشری خاص بود. در همان زمان رسول خدا ﷺ زنان به حضور ایشان می‌رسیدند و سؤال‌های علمی خود را طرح می‌کردند. حضرت فاطمه علیها السلام یک کلاس علمی تشکیل داده بود و زنان مدینه برای علم‌آموزی در آن شرکت می‌کردند. برخی از همسران رسول خدا ﷺ نیز جزو راویان حدیث به‌شمار می‌روند.

تکمیل

اکنون که معیارها را استخراج کرده‌اید، به ترتیب اولیاتی که خودتان تشخیص می‌دهید، آنها را در ردیف‌های شماره یک تا شش قرار دهید.

- ۱- ۲- ۳-
 ۴- ۵- ۶-

برداشت (۱)

متن صفحه بعد گزیده شده از چندین کتاب است که توسط دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان در باره علم در تمدن اسلامی نوشته شده است. پس از مطالعه آن، به سؤال‌هایی که در پایان مطرح شده است، پاسخ دهید. (محتوای این متن فقط برای پاسخ به سؤال‌های پایانی است و نیازی به حفظ کردن آنها نیست و در هیچ امتحانی نباید از آنها سؤال داده شود.)

۱- ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌گوید: «چون به‌طور کلی در تعالیم مسیحیت سخن از نکوهش بدن و ترک آن بود، رعایت اصول بهداشتی، دربردارندهٔ اجر و پاداشی نبود... یکی از ثمرات جنگ‌های صلیبی، رواج حمام‌های عمومی در اروپا به تقلید از گرمابه‌های مسلمانان بود... در فرانسه مردم در حیاط‌ها، روی پلکان‌ها و از بالای خانه‌ها، حتی در کاخ لوور، ادرار می‌کردند. بعد از بروز طاعونی در سال ۱۵۳۱م، به موجب فرمانی مخصوص، به عموم مالکان و خانه‌داران پاریسی، اخطار داده شد که برای هر خانه مستراحی احداث کنند، لکن اکثر مردم زیر بار نرفتند» تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۱۱۲۵.

۲- برخی از این دستورات در مجموعه‌هایی مانند «طبُّ الصادق» علیه السلام و «طبُّ الرضا» علیه السلام گردآوری شده‌اند.

مسلمانان در هر شهری، ابتدا به ساختن مسجد و آموزشگاه اقدام می‌کردند.^۱ یکی از نویسندگان اروپایی می‌گوید: فرهنگی در دنیای اسلام پدید آمده بود که حتی پایین‌ترین و معمولی‌ترین افراد تشنه خواندن بودند و گاهی کارگران به غذای کم و جامه کهنه قناعت می‌کردند برای اینکه بتوانند با پول خود کتاب بخرند.^۲

با اینکه در آن زمان ماشین چاپ اختراع نشده بود، در کشورهای اسلامی به حد کافی کتاب و کتابخانه وجود داشت. دانشگاه بیت‌الحکمه در بغداد با ۴/۰۰۰/۰۰۰ جلد، کتابخانه طرابلس در شام با ۳/۰۰۰/۰۰۰ جلد، کتابخانه سلطنتی قاهره با ۱/۰۰۰/۰۰۰ جلد، رصدخانه مراغه با ۴۰۰/۰۰۰ جلد، دارالحکمه قرطبه در اندلس (کوردوبای فعلی در اسپانیا) با ۴۰۰/۰۰۰ جلد و سه دارالکتب ری با ۳۰۰/۰۰۰ جلد از جمله کتابخانه‌هایی هستند که تعداد کتاب‌های آنها ثبت شده است.^۳

علاوه بر مدرسه‌های کوچک و بزرگ در شهرهای مختلف دنیای اسلام، مدارس جامعی^۴ مانند مدارس جامع قاهره، بغداد، قسطنطنیه، قرطبه، اسکندریه و جندی‌شاپور، با بهترین امکانات تحقیق و مطالعه، پذیرای دانشجویان از نقاط مختلف دنیا بود. در این مدارس رشته‌های مختلف علمی تدریس می‌شد و امکاناتی از قبیل لباس، مسکن، کتاب، بهداشت و حتی کاغذ و قلم مجانی در اختیار دانشجویان قرار می‌گرفت.

در ریاضیات، مسلمانان آثار دانشمندان بزرگ ریاضی مانند اقلیدس و بطلمیوس را ترجمه کردند و سپس شروع به نوآوری نمودند. هیچ‌کس در تاریخ ریاضی نمی‌تواند شخصیت محمدبن موسی خوارزمی (۲۳۶-۱۶۶ ه.ق) را نادیده بگیرد. او معاصر مأمون خلیفه عباسی و رئیس کتابخانه بزرگ بغداد بود. وی علم «جبر» را به‌عنوان یک علم مستقل تأسیس کرد. نام کتاب وی «الجبر و المقابله» بود که وقتی این کتاب به اروپا رفت، اروپاییان براساس نام این کتاب، علم جبر را «Algebra» نامیدند. همچنین الگوریتم «Algorithm» یا الگوریسم که فن محاسبه است، از نام «الخوارزمی» گرفته شده که پس از ترجمه کتاب وی به زبان‌های اروپایی این نام‌گذاری پدید آمده است.^۵

در حوزه پزشکی و دارویی نیز دانشمندان نامداری ظهور کردند که شهرت جهانی دارند؛

۱- تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون فرانسوی، صص ۵۵۷ و ۵۵۸.

۲- عظمت مسلمین در اسپانیا، ژوزف ماک کاپ، ترجمه ابوالقاسم فیضی، ص ۱۷۰.

۳- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ج ۳، ص ۳۱۸؛ عظمت مسلمین در اسپانیا، ص ۴۲۸.

۴- مدارس جامع، شبیه دانشگاه‌های امروز بودند که محل آموزش رشته‌های مختلف علمی محسوب می‌شدند.

۵- دانش مسلمین، محمدرضا حکیمی، ص ۱۵۰.



محمد بن زکریای رازی یکی از دانشمندان بزرگ این دوره است که ۲۲۰ جلد کتاب و رساله نوشته که نیمی از آنها در طب بوده است. کتاب‌های وی در آبله و سرخک، بیانگر دقت علمی اوست و بیش از چهل بار به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است.



در اوایل قرن چهارم هجری تنها در شهر بغداد ۸۵۰ پزشک دارای اجازه درمان بودند^۱ و تعداد دانشجویان پزشکی دانشگاه بغداد بالغ بر ۶۰۰۰ نفر بوده است. پزشکی، شامل رشته‌هایی مانند پزشکی عمومی، چشم پزشکی، جراحی، مامایی، پزشکی زنان و اعصاب و روان بوده است.^۲

بوعلی سینا تا مدت‌ها در شرق و غرب با نام امیر پزشکان شناخته می‌شد. مهم‌ترین کتاب وی در طب، کتاب «قانون»

است که فرهنگ جامعی در پزشکی و داروشناسی است.

کتاب‌های بوعلی به اکثر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شد و تا شش قرن، اصل و مبنای پزشکی جهان بود و تا مدتی پیش نیز،

از کتاب‌های درسی فرانسه به‌شمار می‌رفت.^۳ ویل دورانت گزارش

کرده است که ابن‌سینا اولین کسی بود که فلج صورت ناشی از سکته

مغزی را تشخیص و به خوبی توضیح داد. وی همچنین مسری بودن سل

ریوی را تبیین کرد، انتقال بیماری‌ها از طریق آب و خاک را بیان داشت و عوارض سنگ مثانه را

به گونه‌ای توصیف کرد که برخی از پزشکان گفته‌اند مشکل است بتوان به آن چیزی اضافه کرد.^۴

جراحان چشم‌پزشک با مهارت انواع آب‌آوردگی چشم را با عمل جراحی معالجه می‌کردند.^۵

حتی داروی بیهوشی که از اکتشافات جدید شمرده می‌شود، بر جراحان اسلامی پوشیده نبود. آنان

با دارویی گیاهی بیمارانش را بیهوش می‌کردند.^۶ ابوالقسیس جراح ماهری بود که رساله‌های او را

باید اساس جراحی جدید به حساب آورد. کتاب‌های وی تا یک قرن پیش بارها در اروپا چاپ شده

۱- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱۱، ص ۱۵۸.

۲- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ج ۳، ص ۲۷۶.

۳- تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون، ص ۶۳۳.

۴- فلاسفه شیعه، عبدالله نعمه، ترجمه جعفر غضبان، صص ۹۳ و ۹۴.

۵- کارنامه اسلام، صص ۴۶ تا ۵۲.

۶- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۷.

است.^۱ جراحان مسلمان، انواع عملیات، مانند جراحی دندان، خُرد کردن و بیرون آوردن سنگ مثانه و کلیه، سزارین در هنگام وضع حمل و شکسته‌بندی استخوان‌ها را انجام می‌دادند.^۲

تلاش علمی مسلمانان، دیگر حوزه‌های علوم تجربی را نیز در بر می‌گرفت.

یک دانشمند اروپایی می‌گوید: اینکه در کتاب‌های شیمی می‌نویسند لاوازیه مؤسس علم شیمی است، درست نیست. اگر آزمایشگاه‌های هزار سال پیش مسلمانان و اکتشافات مهم آنان نبود هیچ‌گاه لاوازیه نمی‌توانست قدمی به جلو بردارد.^۳ هنوز حدود صد رساله در شیمی از جابر بن حیان در دست است.^۴ پیش از آنکه گالیله حرکت زمین به دور خورشید را اعلام کند، ابوریحان بیرونی و پیش از وی ابوسعید سجزی این عقیده را ابراز کرده بودند.^۵

زمانی که اروپا در آغاز پیشرفت قرار گرفته بود، تاجران اروپایی برای فروش کالای خود، از مارک‌های قلبی که نشان‌دهنده تولید آن کالا در جهان اسلام بود استفاده می‌کردند. حتی صلیب‌هایی با نشان «الله» مربوط به آن دوره دیده شده تا تولیدکنندگان به خریداران بقبولانند که این جنس از سرزمین اسلامی آمده است!^۶

با توجه به اطلاعاتی که در این بخش داده شد، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- اوضاع علمی و فکری بعد از اسلام چه تفاوتی با قبل از اسلام پیدا کرده بود؟
 - ۲- آیا در تمدن اسلامی، طبقه یا طبقاتی از مردم امکان و اجازه بیشتری برای تحصیل داشتند؟
 - ۳- منشأ و علت اصلی توجه مردم به علوم مختلف چه بود؟
-

دانش تکمیلی

اگر اسلام می‌تواند به وجودآورنده یک تمدن باشد، چرا عموم کشورهای اسلامی از تمدنی ضعیف برخوردارند؟

پاسخ به این سؤال را در وبگاه گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir>

در بخش «دانش تکمیلی» ملاحظه کنید.

۱- میراث اسلام، ژوزف ماک کاپ، ص ۱۱۷.

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۴.

۳- همان، صص ۶۱۱ تا ۶۱۵.

۴- میراث اسلام، ص ۱۱۵.

۵- فلاسفة شیعه، ص ۱۱۵.

۶- ویژگی‌های قرون جدید (مجموعه آثار، ج ۳۱)، علی شریعتی، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

با توجه به مطالبی که تا اینجا خواندید، گزارش زیر را بخوانید و به سؤال‌هایی که در پایان مطرح شده است پاسخ دهید. (محتوای این گزارش فقط برای پاسخ به سؤال‌های پایانی است و نیازی به حفظ کردن آنها نیست و در هیچ امتحانی نباید از آنها سؤال داده شود.)

فرهنگ قوی اسلام توانست سرزمین‌های بزرگی مانند ایران، عراق، مصر، شام، عربستان، یمن، آسیای میانه، بخش‌های وسیعی از آفریقا و بخش‌هایی از اروپای شرقی را به صورت یک کشور درآورد و در قالب حکومت واحد، در چند قرن اداره کند. آنچه که در ابتدا قلب مردم سرزمین‌هایی مانند ایران را به اسلام پیوند داد، عدالت اسلامی بود که متأسفانه حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس مسیری در جهت خلاف آن پیش گرفتند. این شیوه حکومت‌داری به تدریج به جدایی مردم از حکومت انجامید و حکومت مرکزی اقتدار خود را از دست داد. در گوشه و کنار کشور پنهان‌گام‌های محلی سربرآوردند که یا با حکومت مرکزی و یا با خودشان درگیر بودند. نتیجه این نابسامانی‌ها، خستگی و درماندگی مردم مسلمان و کاهش انگیزه‌های آنان برای جهاد و دفاع از قلمرو اسلامی شد.

همین خستگی‌ها و کاهش انگیزه‌ها، به تدریج زمینه‌سازی توجهی به تفکر و تعقل و همچنین بسته شدن بسیاری از مراکز علمی و منزوی شدن شخصیت‌های ادبی، هنری و علمی گردید.

دو تهاجم بزرگ: در چنین شرایطی و در اواخر دوره بنی‌عباس و پس از آن، دو حمله وسیع و ویران‌کننده، یکی به غرب دنیای اسلام و دیگری به شرق آن صورت گرفت. امپراتوری روم به تحریک کلیسا از سال ۴۸۹ هجری (۱۰۹۶ م) به قسمت غربی دنیای اسلام، یعنی شام، فلسطین، آسیای صغیر و برخی دیگر از سرزمین‌های مجاور هجوم آورد. این تهاجم آغازی بر هشت جنگ طولانی و شدید بود که آخرین آن در سال ۶۶۸ هجری (۱۲۷۰ م) رخ داد. این جنگ‌ها که به قصد فتح بیت‌المقدس از طرف اروپاییان آغاز شد، بالاخره با فرماندهی بی‌ظن سردار بزرگ مسلمانان به نام صلاح‌الدین ایوبی با پیروزی مسلمانان پایان یافت؛ اما بسیاری از امکانات مادی و معنوی دنیای اسلام را از بین برد. از آنجا که در این جنگ‌ها اروپاییان صلیب با خود حمل می‌کردند، این جنگ‌ها را جنگ‌های صلیبی می‌نامند.

تهاجم ویرانگر دیگر، حمله مغولان به بخش شرقی و مرکزی دنیای اسلام بود که به تصرف قسمت‌های وسیعی از جمله ایران انجامید. با اینکه مغولان حاکم بر ایران بعداً به وسیله ایرانیان، مسلمان شدند و آداب تمدن آموختند، اما ویرانگری‌های ابتدایی آنان به قدری وسیع و عمیق بود

که توان تجدید حیات را برای مدتی طولانی از مسلمانان گرفت؛ به خصوص که بیشتر این حملات به سرزمین‌ها و شهرهایی بود که مرکز علم، فرهنگ و دانش در دنیای آن روز بودند. چنگیز فرمانروای قوم مغول، به نیروهایش گفته بود به هر شهری که می‌رسند، کسی را باقی نگذارند؛ مرد و زن، پیر و جوان، کودک و بالغ، آزاد و بنده را بکشند.^۱

شهر بلخ، یکی از شهرهای زیبای جهان اسلام بود. درآمد آن با شهر مکه که زیارتگاه همه مسلمانان بود مقایسه می‌شد. مغولان این شهر را تصرف کردند. مردم را در دسته‌های صد تا هزار نفری به صحرا راندند و همه را از دم تیغ گذراندند. سپس کتابخانه‌ها، کاروان‌سراها، قلعه‌ها، قصرها و تمامی بناها را به توده‌ای از خاک تبدیل کردند.

نیشابور، ابر شهری بود با چهار دروازه و چهل و دو محله؛ برخی از محلات آن برابر با برخی از شهرهای متوسط امروزی بود. یکی از نویسندگان، آن را به زُهره آسمان و یا چشم در چهره تشبیه کرده بود. مردم شهر، پس از مقاومت‌های شدید، شکست خوردند. داماد چنگیز، تمام مردم و جانداران شهر، حتی سگ‌ها و گربه‌ها را قتل عام کرد. سپس دستور داد شهر را چنان ویران کنند که بتوانند روی آن کشاورزی نمایند.

این ویرانگری‌ها در بسیاری از شهرهای دیگر مانند سمرقند، مرو، کابل، غزنین، قوچان، هرات، دامغان، سمنان و آمل اتفاق افتاد و سپس به استان‌های دیگر سرزمین اسلامی کشیده شد.^۲ یکی از پیامدهای حمله مغول‌ها و کشتار وحشیانه آنان، شیوع روح افسردگی، عزلت، گوشه‌گیری، درون‌گرایی، تصوف و بیزاری از دنیا بود که وارد جامعه اسلامی شد.

با توجه به اطلاعاتی که در این قسمت داده شد، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- چه عواملی زمینه‌ساز افول تمدن درخشان اسلامی در قرون میانه شد؟

۲- آیا این عوامل به دین اسلام مربوط می‌شد یا به رفتار مسلمانان؟

۳- این عوامل مربوط به داخل جهان اسلام بود یا بیرون آن؟

هم‌اندیشی

برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم بار دیگر تمدن اسلامی را احیا کرده به جایگاه مناسب خود در جهان برسانیم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

۱- مجمع‌الانساب، محمدعلی شبانکاره‌ای، ص ۲۳۴.

۲- بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۳، صص ۸۰ تا ۸۷.